

مصاحبه با دکتر محمد تقی رهنمایی

استاد جغرافیای دانشگاه تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مصاحبه کنندگان: خانمها ابراهیم پور و کاوسی
آن زمان (دانشگاه شهید بهشتی). بعد از فارغ التحصیلی چون شاگرد
اول شدم با استفاده از یک بورس دکتری به آلمان رفتم و به مدت ۶
سال این دوره را گذراندم در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشتم و از آن
سال در دانشگاه تهران مشغول به کار هستم و شیرینی‌ها و
تلخی‌های این سال‌ها را در کنار هم داشتم.

● آیا زمانی که شما دوره لیسانس را می‌گذرانید، در
آن زمان جغرافیا به سه شاخه تقسیم شده بود؟
خیر، در سال ۱۳۴۸ برای اولین بار گروه جغرافیا در
دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) آغاز به کار کرد جغرافیای آن
زمان جغرافیای عمومی بود و اینقدر قیمة قیمة نشده بود و در ضمن
در کنار درس جغرافیا دروس عمومی دیگر را نیز می‌گذرانیدیم.

● جناب استاد، دکتر رهنمایی در ابتدا بسیار مشتاقیم
که از زبان خودتان درباره زندگی و تحصیلات خودتان
برایمان بگویید؟

محمدتقی رهنمایی هستم، متولد سال ۱۳۲۳، یازده
شهریور، در استان گیلان شهرستان طالش بدنیا آمدم، دوران کودکی
را در آنجا گذراندم، بعد از پایان دوره ابتدایی، به دلیل عدم وجود دوره
متوسطه به مرکز این استان رفتم. و در یکی از مدارس برجسته آن
زمان که در حال حاضر ۸۰ سال از زمان تاسیس آن می‌گذرد، دیپلم
گرفتم بعد از گرفتن دیپلم چون در کنکور مورد نظرم قبول نشدم، برای
سربازی به سپاه بهداشت رفتم، ۱/۵ سال بعد در یک شرکت دارویی
کار کردم و بعد در کنکور در چند رشته قبول شدم آنهم در دانشگاه ملی

ارتباط دو رشته فرعی را انتخاب کردم؛ ۱- جامعه‌شناسی با جغرافیای اجتماعی ارتباط داشت و ۲- زمین‌شناسی که با جغرافیای طبیعی در ارتباط بود.

● چه شد که برای تحصیلات به خارج از کشور رفتید و چرا آلمان را انتخاب کردید؟

دولت آلمان به وزارت فرهنگ آموزش عالی ۵ بورس دوره دکتری داده بود ما ۴۷۸ نفر بودیم که در این مسابقه شرکت کردیم و در این بین، ۵ نفر انتخاب شدیم من از همان ابتدا برای ادامه تحصیل آلمان را انتخاب کردم. و در ادامه تحصیل من در آلمان آقای دکتر ایرانپور - که خدا حفظش کند - بسیار تاثیرگذار بود.

● محیط علمی دانشگاه آلمان به چه صورت بود و چه رابطه‌ای با اساتید دیگر داشتید؟

محیط آنجا هیچ ارتباطی برای درس خواندن نداشت. دانشگاه خارج بخصوص آلمان مثل یک بطری است که دهانه آن برای خروج تنگ است ولی ورود به آن آسان است. در آلمان ملاحظه علاقه است چون اصولاً درش عشق می‌خواهد، علاقه می‌خواهد. در آنجا به آقا اجازه داده می‌شود خود را امتحان کنند. در شیر این صورت بر اساس ضوابط جلوی ادامه تحصیل آنها با تیز می‌گیرند - با همه اساتید رابطه خوبی داشتم. من به همراه تری چند از اساتید محترم دیگر: (دکتر مصطفی موهنی - عباس سعیدی - حسن ضیاء توانا - و دکتر سلطانی) به عنوان معهود دانشجویان ایرانی و بهتر است بگویم خارجی بودیم که در این رشته درس می‌خواندیم و در نتیجه بسیار زیر ذره‌بین بودیم. و سعی می‌کردم که اگر نمی‌توانیم بالاتر از دانشجویان آلمانی باشیم حداقل هم پای آنها باشیم لذا حقیقاً درس را با جدیت تمام می‌خواندیم.

● استاد چه شد به ایران بازگشتید؟

من با این هدف رفته بودم که دکتری را بگیرم و به ایران برگردم در اوایل سال ۵۸ با دفاع از رساله دکتری به ایران بازگشتم. و من قصد داشتم استاد دانشگاه شوم و خیلی سریع هم جذب کار شدم.

● جایگاه جغرافیا را در ایران به چه صورت می‌بینید؟

به طور صریح بگویم که جایگاه خود را در ایران بدست نیاورده است. برای اینکه مسیر اصلی خود منحرف شده است. دلیلش این است که ساکنان جغرافیا شاید درک علمی و لازم را از جغرافیا ندارند. من جغرافیا را در مسیر انحرافی خود می‌بینم. و ابتدا مبتنی بر نیاز بازار کار نیست. دانشجو بعد از ورود به دانشگاه با



● استاد چه عواملی باعث علاقه شما به جغرافیا شد و

چرا از میان سایر رشته‌ها این رشته را انتخاب کردید؟

من از همان دوره دبستان به جغرافیا علاقه داشتم و البته دلایلش را به خاطر نمی‌آورم. برای من یکی از سرگرمیها نگاه کردن به نقشه‌های جغرافیا بود. آنقدر به کتاب و نقشه‌های جغرافیایی علاقه داشتم که در همان کلاس پنجم ابتدایی معلم مرا پای تخته سیاه می‌گذاشت تا در پیدا کردن بعضی از نقاط جغرافیایی از من کمک بگیرد. در دوره دبیرستان نیز این علاقه ادامه پیدا کرد در رمان ما یک بیماری فراگیر وجود داشت و آن اینکه همه دوست داشتند رشته‌هایی مثل مهندسی دکتری - حقوق و امثال آن که ظاهراً منزلت و اعتبار اقتصادی - اجتماعی داشتند را بخوانند ولی از همان ابتدا، من به رشته جغرافیا علاقه داشتم.

● آقای دکترم بعد از اخذ مدرک کارشناسی،

کارشناسی ارشد را در چه رشته‌ای ادامه دادید؟

من اصلاً دوره فوق لیسانس را نگذراندم و مستقیماً بعد از دوره کارشناسی با یک ریسک به دوره دکتری وارد شدم. دوره دکتری را در دانشگاه ماربورگ آلمان که ۴۷۰ سال از تاسیس آن می‌گذرد درس خواندم. در این دانشگاه: دیارتمان رشته جغرافیا جزو علوم طبیعی است و در مدرک دکتری من نوشته شده: دکتر در رشته علوم طبیعی (جغرافیا). در آنجا برای دانشجویان رشته جغرافیا چه طبیعی چه انسانی برای برقراری تعادل موضوعی در رشته می‌باید دو تا رشته فرعی را نیز در کنار رشته اصلی بخوانند من برای برقراری این

تشکیل یک شرکتی را بدهند متشکل از گروههای مطالعات جغرافیایی، که هیچ فشار بار مالی برای دولت نخواهد داشت و اشتغال را بوده و معرف ماهیت جغرافیا نیز خواهد بود و بستری برای جغرافیا باز می‌کند و جغرافیا به هر شاخه‌ای نمی‌پرد و جغرافیا کنار جغرافیایی می‌کند.

● آقای دکتر از فعالیت خود برای ما بگویید؟

۱- از سال ۱۳۶۵ که دوره نوگشایی دانشگاه بود یک همکاری را با وزارت مسکن و شهرسازی شروع کردم که منجر به تشکیل مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران شد.

۲- در کنار تدریس، طرحهایی را ارائه کردم که سرشناس‌ترین آن طرح انتقال پایتخت از تهران بود مطالعات مکان یابی پایتخت که اگر بنا باشد تهران پایتخت باشد باز هم و جای دیگر. این طرح رامن ارائه می‌دهم.

۳- طرح جامع گیلان و مازندران ۴- طرح محور غرب زاگرس. در کنار این طرحها، دو سمینار بین‌المللی برای وزارت مسکن و شهرسازی برگزار کردم.

۱- کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی ۲- سمینار بین‌المللی مسائل شهری و شهرهای جدید از سال ۱۳۷۲ به بعد توجه خاصی به بخش پژوهشی شد و در حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه دفتر طرح کاربردی تأسیس شد که تسهیلاتی را برای ما بوجود آورد و ما می‌توانیم از بیرون طرح بیاوریم و یک منزلت علمی و هویت و شخصیت دانشگاه مهیم بود.

۵- در استان لرستان - گیلان - همدان - ایلام - کردستان اردبیل، ۳۴ پروژه را مدیریت کردم.

۶- طرحهای مربوط به مسائل زیست محیطی و اثرات توسعه بر منابع زیست محیطی که قرارداد آن با سازمان حفاظت از محیط زیست منعقد کردم این طرح طی ۴ جلد گزارش اصلی و ۱ جلد خلاصه گزارش که مجموعاً ۱۲۰۰ صفحه بود ارائه شد.

طرح دیگر: طرح جامع جهانگردی گیلان است که بعنوان طرح برتر در مسابقات طرح برتر قابل تقدیر در دانشگاه تهران معرفی شد.

● استاد آخرین کتابی که نوشته‌اید را لطفاً معرفی کنید؟

گذشته از رساله دکترا که در دانشگاه مالبورگ به زبان آلمانی چاپ شده است یک کتاب ترجمه و ۲ کتاب تالیف کردم ۱- توانهای محیطی ایران ۲- کتاب سه جلدی گیلان اما مرتب مفاد

تمام وجود مشکلات را اعم از مشکل غذا - خوابگاه - دوری از پدر و مادر و ... را تحمل می‌کنند ولی با وجود این اگر بعد از چهار سال از ما و یا از خود او بپرسند که چه مهارتی به او یاد داده‌اید، هیچ جوابی نداریم که بدهیم و جواب را باید از کسانی بگیریم که سکانداری این برنامه ریزی را در جغرافیا برعهده داشته‌اند.

● برای پیشرفت جغرافیا شما چه صحبتی دارید؟

خانه تکانی و دورریز برنامه‌های آموزشی فعلی، ما حداقل اگر نمی‌توانیم جغرافیای مدرن را ارائه دهیم حداقل در بعد کشورشناسی‌اش کار کنیم. ما چون در سیاستها - نرجی خودمان، جغرافیدان به معنای کشورشناس نداریم رنگش را کمتر و تاثیرات منفی آن را پررنگ تر می‌بینیم. در کنار تخصص موضوعی، تخصص ناحیه‌ای هم لازم است. بعنوان مثال آقای هورش من سینگ اقلیم‌شناس است. اما متخصص شمال آفریقا است دانش کشورشناسی ما در حد میانگین مردم کوچه و بازار است.

● پیشنهادتان برای اشتغال فارغ‌التحصیلان گروه جغرافیا چیست؟

جواب این سؤال به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول که ناگزیر متناسب با ساختار سیاسی - اقتصادی کشور، تصور و توقع درستی را بوجود آورده و آن این است که هر کس دوست دارد در یک مؤسسه دولتی فارغ‌التحصیل شود، دلیلش این است که دولت در ایران بزرگترین کارفرماست.

بخش دوم دولت در وضع کارفرمای بزرگ، یا همان کلان کارفرما، نیامده حتی در بدنه خودش جایگاه اشتغال را تعیین کند. منهای آموزش و پرورش. در بقیه بدنه فرصتهای شغلی برای جغرافیا، جایی مشخص نشده است. من برای توجیه جایگاه جغرافیا برای اشتغال یک مثلث می‌کشم که در یک راس آن انسان و در یک گوشه فضا و در زاویه دیگر فعالیت قرار دارد. فعالیت مربوط به انسان را جامعه‌شناسی و فعالیت مربوط به فعالیت را به متخصص مسائل اقتصادی و ... مردم اما مطالعات مربوط به فضا را چون فضا را در جغرافیایی دارد و فضا بدون جغرافیا معنا ندارد اینجاست که باید جغرافیدان این مطالعات را انجام دهد.

اگر دفاتر امور مشاوران اجازه دهد در کنار سایر دفاتر دفتر مهندسی مشاور ارائه خدمات مطالعات محیطی جغرافیایی تشکیل شود اینجاست که فارغ‌التحصیلان گروه جغرافیا می‌توانند

بزرگوار در این شرایط به حق قانونی‌اش برسد به نحوی که ایشان در این سن ۸۷ سالگی برای امرار معاش با سازمان عمران کیش قرارداد کاری بسته است. استاد ممتاز دانشگاه تهران، من شخصاً به این مرد مدیونم نسل بعد از من ارزش این جور آدمها را درک خواهد کرد.

امیدوارم شما اشتباهات ما را تکرار نکنید و درس عبرت بگیرید.

در پایان استاد جناب آقای دکتر رهنمایی از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار هسته علمی گروه جغرافیا قرار دادید بسیار سپاسگزاریم. و برای شما طول عمر با عزت را آرزو داریم. استاد من هم برای شما آرزوی سلامت و موفقیت در امر تحصیل را دارم.

نیز می‌نویسم.

● چه تصمیمی برای دانشجویان گروه جغرافیا و هسته علمی دارید؟

من اصولاً از پیدایش چنین فضاهاهی که دانشجو بتواند از طریق آن ابراز وجود کند و تجربه بیاموزد استقبال می‌کنم چون دانشگاه را محل استمرار آموزش و پرورش می‌دانم.

اینجور فعالیتها را جزء جنبه‌های پرورشی می‌دانم. این به من امید می‌دهد که هنوز پیر نشده‌ام و می‌توانم با دانشجویان عزیز در ارتباط باشم.

شرط اصلی دوام و استمرار هسته این است که این تشکل سیاسی نشود اگر این تشکل کانالیزه شود بین افراد و استادهاهی تخصصی، شما را از رسالتان بازمی‌دارد اگر هنری صنعتی شود بهتر است. اول از استادهاهی که دوستانان ندارند شروع کنید. این ارتباط بین بدنه و اجزاء را برقرار می‌کند.

● استاد فعالیتهاهی خودتان را مدیون چه افرادی می‌دانید؟

من اصلاً موفقیتی بدست نیاوردم که شما بر آن تکیه می‌کنید. این را وقتی می‌گویم خودم را مقایسه می‌کنم با دوستانی که در خارج داشتیم خودم را با محیطی که در آن بزرگ شدم و تربیت شدم مقایسه می‌کنم.

در اینجا من بخش بزرگی از وقتم برای معاش گرفته می‌شود. بنابر این آن چیز که شما از آن به عنوان فعالیت یاد می‌کنید، چیزی نیست مگر مایه گذاشتن از جان. موفقیت زمانی است که از زندگی لذت ببرید «پس بهتر است بگویم ما به کار پناه آورده‌ایم». در تعیین خطی مشی من و یا به قول شما موفقیت، تعدادی از اساتیدم نقش داشتند. شخصیت منش فروتنی و رادنه‌ای درست، آنها همیشه چراغ راهم بود از جمله این اساتید: دکتر ایرانبور جزئی، دکتر حسن گنجی هستند که این اساتید محترم و بزرگوارم معرف اساتیدی هستند که می‌توانند دانشجو را تربیت کنند

برای من دکتر گنجی نمونه بسیار خوبی از یک انسان وارسته است. ایشان با تمام سختی هنر و عشقش را به جغرافیا حفظ کرده است. دکتر گنجی با تمام شهرت عالمگیرش بیرون از اینجا اگر کل بدنه جغرافیا کشور را نیمی از یک پیکره تلقی کنیم، دکتر گنجی را نیز نیم دیگر تلقی می‌کنند.

ما هیچکدام نتوانستیم کاری بکنیم که اقلاً این مرد

